



شرک

کلیدواژه: شرک، حنفت.

پرسش: شرک چیست؟

فهرست مندرجات

- ۱ - پاسخ اجمالی
- ۲ - پاسخ تفصیلی
- ۳ - کاربرد شرک در قرآن
- ۴ - اقسام شرک
 - ۴.۱ - اقسام شرک در عقیده
 - ۴.۱.۱ - شرک در الوهیت
 - ۴.۱.۲ - شرک در خالقیت
 - ۴.۱.۳ - شرک در ربوبیت
 - ۴.۲ - شرک در مقام عمل
- ۵ - معیارهای خود ساخته برای شرک
- ۶ - نقد معیارهای خود ساخته برای شرک
- ۷ - برای مطالعه بیشتر
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

پاسخ اجمالی

"شرک" در لغت به معنای نصیب (سهم) قراردادن و در اصطلاح قرآن، مراد از شرک، شریک و مثل و مانند قراردادن برای خداوند متعال است و در مقابل "حنفت" است. "حنف"؛ یعنی میل به استقامت و اعتدال، و از آنجا که پیروان توحید خالص، از شرک روی گردان شده و به این اصل اساسی متمایل می‌شوند، به آنها حنیف گفته می‌شود.

شرک به دو قسم شرک در عقیده و شرک در عمل (عبادت و طاعت) تقسیم می‌شود.

شرک در عقیده، دارای اقسامی است:

۱. شرک در الوهیت: اعتقاد به موجودی غیر از خداوند که دارای تمام صفات الهی به طور مستقل باشد.

۲. شرک در خالقیت: اعتقاد به دو مبدأ و خالق مستقل برای عالم.

۳. شرک در ربوبیت: اعتقاد به این که پروردگاران مستقل و متعددی برای تدبیر امور عالم وجود دارند.

شرک در عمل نیز به دو قسم شرک جلی (آشکار) و شرک خفی (پنهان) تقسیم می‌شود و دارای احکامی است که در علوم فقه و کلام، از آن بحث شده است.

از نظر خداوند متعال، همهٔ اقسام شرک، گمراهی محسوب شده و ظلم عظیمی به پروردگار است که قابل بخشایش نیست.

امروزه، بعضی از فرقه‌ها این مسئله (شرک) را دست‌آویزی برای خطا شمردن نظریات دیگران قرار داده‌اند و در هر زمان و هر موضعی که خود را برای استدلال، ضعیف و دست‌خالی می‌بینند، دیگران را به شرک متهم می‌کنند که این، عملی غیر اسلامی، غیر اخلاقی و انحرافی است. البته علمای دین اسلام، تمام اشکالات آنها را پاسخ گفته‌اند.

پاسخ تفصیلی

"شرک"، در لغت به معنای نصیب قرار دادن، و درهم آمیخته شدن دو شریک است [۱] [۲] و در اصطلاح قرآنی، در مقابل حنفت به کار برده می‌شود و مراد از شرک، شریک و مثل و مانند قراردادن برای خداوند متعال است. حنیف، به معنای تمایل پیدا کردن از گمراهی به درستی و راستی است، و از آنجا که پیروان توحید خالص، از شرک روی گردان شده و به این اصل اساسی متمایل می‌شوند، به آنها حنیف گفته می‌شود و نیز به همین دلیل، یکی از معانی حنیف، مستقیم و صاف است. (حنیف از ماده حنف (بر وزن هدف) به معنی تمایل پیدا کردن از گمراهی به درستی و راستی است، در حالی که حنف، عکس آن است؛ یعنی از راستی به کجی گزیندن، و از آنجا که پیروان توحید خالص، از شرک، روی گردان شده و به این اصل اساسی متمایل می‌شوند، به آنها حنیف گفته می‌شود. و نیز به همین دلیل، یکی از معانی حنیف، مستقیم و صاف است. و از این‌جا روشن می‌شود، تفسیرهایی که مفسران برای کلمه حنیف کرده‌اند، مانند حج خانه خدا، پیروی از حق، پیروی ابراهیم (علیه‌السلام) و اخلاص عمل، همگی به همان معنای کلی و جامع، بازگشت می‌کند و اینها هر یک، مصداقی از آن است.) [۳]

کاربرد شرک در قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم، به پیامبر خود می‌فرماید: "بگو: پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده، آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا)، آیین ابراهیم (علیه‌السلام)، که از آیین‌های خرافی روی برگرداند و از مشرکان نبود".

«قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دیناً قیماً ملة ابراهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین.» [۴]

همچنین می‌فرماید: "و به من دستور داده شده که روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هرگونه شرک خالی است و از مشرکان مباحش."

«و ان اقم وجهک للالدین حنیفاً و لا تکنن من المشرکین» [۵]

بنابراین از نظر قرآن، شرک، نقطه مقابل دین حنیف است و برای شناخت شرک باید دین حنیف را شناخت، از جهت: "تعرف الاشیاء باضدادها"؛ یعنی، اشیا به

واسطهٔ صدشان شناخته می‌شوند. در یک جمله، می‌توان گفت که شرک، ضد توحید است و همان‌طور که توحید دارای اقسامی است، شرک نیز دارای اقسامی است.

اقسام شرک

در یک تقسیم بندی کلی، شرک به دو قسم "شرک در عقیده" و "شرک در عمل" تقسیم می‌شود.

← اقسام شرک در عقیده

شرک در عقیده، به سه قسم تقسیم می‌شود:

← شرک در الوهیت

اعتقاد به موجودی غیر از خداوند که به طور مستقل دارای تمام صفات جمال و کمال است. چنین اعتقادی موجب کفر می‌شود (لازم به تذکر است که همه اقسام شرک، به نوعی موجب کفر خواهد شد، البته باید دقت کرد که مراد ما از کفر اعم از کفر کلامی و فقهی می‌باشد)، به همین جهت خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "آنها که گفتند خدا، همان **مسیح بن مریم** است، به طور مسلم کافر شدند". «لقد کفرالذین قالوا ان الله هو المسيح بن مریم»^[۶]

← شرک در خالقیت

انسان دو مبدأ مستقل برای عالم قائل شود، به طوری که خلق و تصرف در شئون عالم به دست شان است. همان گونه که **مجوس** (زرتشتی‌ها) قائل به دو مبدأ **خیر** (**یزدان**) و **شر** (**اهرمین**) بودند.

← شرک در ربوبیت

آن است که انسان معتقد شود در عالم، ارباب (پروردگاران) متعددی است و خداوند **رب الارباب** است. به این معنا که تدبیر عالم به هر یک از ارباب متفرق، به طور مستقل تفویض شده است. همان گونه که مشرکان عصر **حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)** به این نوع شرک مبتلا بودند و گروهی ستارگان را مدیر عالم می‌دانستند و گروه دیگر ماه را و گروهی خورشید را.

← شرک در مقام عمل

شرک در مقام عمل را شرک در طاعت و عبادت می‌نامند و به این معناست که انسان خضوع و خشوعش ناشی از اعتقاد به الوهیت یا خالقیت یا ربوبیت کسانی باشد که برای آنها خضوع و خشوع دارد و به آنها احترام می‌گذارد. اینها ملاک‌ها و معیارهای شرک است که از قرآن مجید استفاده می‌شود. اما عده ای، از پیش خود معیارها و ملاک‌هایی برای شرک ابداع کرده‌اند و با آنها، دیگر مسلمانان را به شرک متهم می‌کنند. از نظر ما، ملاک‌ها و معیارهایی که آنها برای شرک تعیین کرده‌اند، هیچ گونه اعتباری ندارد؛ زیرا معیارهای آنان با آیات قرآن و سیرهٔ پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و جانشینان ایشان (دوازده امام) منافات دارد.

معیارهای خود ساخته برای شرک

در این جا به بعضی از معیارهای خود ساختهٔ آنها اشاره می‌کنیم:

۱. اعتقاد به سلطهٔ غیبی برای غیر خداوند؛ آنها می‌گویند: اگر کسی به پیامبر یا غیر او از اولیا الله **استغاثه** و از آنها طلب یاری کند و به این مسئله که او دعایش را می‌شنود و از احوالش با خبر است، یا حاجتش را برآورده می‌کند، معتقد باشد، اینها نوعی از شرک اکبر است.^[۷]
۲. حاجت خواستن از اموات؛ گفته‌اند: از انواع شرک، حاجت خواستن از اموات و استعانت از آنان و توجه به آنان است و این اصل و اساس شرک در عالم است.^[۸]
۳. **دعا** و **توسل** نوعی عبادت است؛ گفته‌اند: عبادت مخصوص خداست و دعا هم نوعی عبادت است، پس درخواست از غیر خدا، شرک است.^[۹]
۴. زیارت قبرها شرک است.
۵. **تبرک** جستن به آثار انبیا و صالحان، شرک است.
۶. احتفال (جشن گرفتن) میلاد پیامبر شرک است.
۷. ساختن **گنبد** و بارگاه بر روی قبرها شرک است.

نقد معیارهای خود ساخته برای شرک

این معیارهای خود ساخته و **عقاید** را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. یک دسته از این معیارها و اعمال را، از آن جهت که شرک در عقیده می‌دانند، اعمال مشرکانه گفته‌اند. در رد این دسته از عقاید آنها، می‌توان گفت که اگر اعتقاد به سلطهٔ غیبی، اعتقاد به شفا دادن و اعتقاد به بر آوردن حاجت و ...، به این نحو باشد که تمامی این امور به خداوند مستند است و دیگران هرچه دارند از جانب خداوند متعال به آنها داده شده است، شرک نخواهد بود؛ زیرا هیچ گونه استقلالی برای غیر خدا در نظر گرفته نشده است و ما در تعریف شرک در الوهیت و شرک در خالقیت و شرک در ربوبیت، گفتیم که انواع شرک در عقیده، در صورتی تحقق پیدا می‌کند که کسی **عقیده** داشته باشد، غیر خداوند به طور مستقل دارای صفات کمال و جلال باشد، یا به طور مستقل بتواند خلق کند و یا به طور مستقل بتواند تدبیر کند؛ اما اگر قدرت او یک قدرت وابسته به خداوند باشد، دیگر شرکی نخواهد بود. ما و سایر مسلمان‌هایی که از پیامبر اکرم و جانشینان ایشان حاجت می‌خواهیم و یا عقیده داریم آنها قدرت فوق العاده ای دارند و یا ...، این مقام را برای آنها مقامی عطا شده از جانب پروردگار واحد متعال می‌دانیم. با این وصف، آیا باز هم شرک است؟
 ۲. قسم دوم از کارهایی را که آنها شرک می‌دانند از آن جهت است که این اعمال را عبادت پنداشته‌اند، مثل جشن گرفتن برای میلاد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، بنای گنبد و بارگاه روی قبرها، بوسیدن ضریح و
- در مکتب اسلام عبادت، دارای ویژگی‌هایی است و با آن ویژگی‌ها مخصوص خداوند است. عبادت، عبارت است از: خضوع و خشوعی که ناشی از اعتقاد به الوهیت، یا خالقیت و یا ربوبیت باشد.
- اما اگر خضوع و خشوعی، ناشی از چنین اعتقاداتی نباشد، به هیچ وجه عبادت نخواهد بود. به همین جهت وقتی خداوند در سورهٔ یوسف قرآن مجید، سجدهٔ برادران یوسف (علیه‌السلام) در مقابل آن حضرت را نقل می‌کند، آن را شرک ندانسته است؛ زیرا آنان هیچ گاه دربارهٔ یوسف، اعتقاد به الوهیت، خالقیت و یا ربوبیت نداشتند.
- خوشبختانه، علمای دین اسلام و دانشمندان بیدار به تمامی این موارد و معیارهای خودساخته جواب داده‌اند.

برای مطالعه بیشتر

برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب:
بحوث قرآنیة فی التوحید و الشریک، نوشتهٔ، آیت الله جعفر سبحانی، مراجعه کنید.

پانویس

- ^[۱] ↑ طریحی، فخرالدین بن مجد، مجمع‌البحرین، ج۵، ص۲۷۴.
- ^[۲] ↑ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب‌العین، ج۵، ص۲۹۲.
- ^[۳] ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، ج۲، ص۶۰۵.
- ^[۴] ↑ انعام/سوره۹، آیه۱۶۱.
- ^[۵] ↑ یونس/سوره۱۰، آیه۱۰۵.
- ^[۶] ↑ مائده/سوره۵، آیه۱۷.

۷. ↑ عبدالعزیز بن باز، مجموعه فتاویٰ بن باز، ج ۲، ص ۵۵۲.
۸. ↑ آل الشیخ، عبد الرحمن بن حسن، فتح المجید، ص ۶۸.
۹. ↑ رضوانی، علی اصغر، الرد علی الرافضة، ص ۱۲۵-۱۴۲، (طبق نقل شیعه شناسی).

منبع

اسلام کویت، برگرفته از مقاله «شُرک» تاریخ بازیابی ۱۰/۳/۱۳۹۷. 

رده‌های این صفحه : [خدا شناسی](#) | [صفات الهی](#) | [صفات سلبی](#) | [شُرک](#)